

طیلس یکی از شهرهای ساحلی کویر است، از مشهد که در شمال آن قرار دارد ۵۰۰ کیلومتر فاصله دارد و یکی از شهرستانهای استان خراسان است.

از شمال به کویر طوت از جنوب به کویر نمک از شرق به شهر فردوس و گناباد و از غرب به یزد محدود میشود، ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۷۰۰ متر است و از لحاظ جغرافیایی در ۵۹ درجه و ۵۶ دقیقه طول شرقی ۳۶ درجه و ۳۳ دقیقه عرض شمالی واقع شده است و گرمترین شهر خراسان است.

طیلس بواقع یکی از زیباترین شهرهای ایران است که چون گلی مرشوره زار قرار داده گیاه گرم و مملو از درختان نخل سربوها کشیده همراه با درختان پرتقال و نارنج، با جویهای پر از آب و باغها و کوچه‌های پر پیچ و خم که انتهای ندارد و انتهای یکی ابتدای دیگریست.

تاریخچه طبس و نجابی کوته به بناهای باستانی آن

بقرات نادری
(سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران)
دفتر فنی گیلان

حتی از قبل از اسلام جستجو کرد و از روی آثار باستانی که از دوران زردشتیان قبل از اسلام بجای مانده، میتوان حکم بر قبل از اسلام بودنش نمود، ولی متأسفانه بعلمت عدم

با معماری اصیل ایرانی که هر بیننده را بخاطر اینهمه هنر زیبایی به تعجب و حیرت وامیدارد. تاریخ واقعی شهر طبس رامیباست

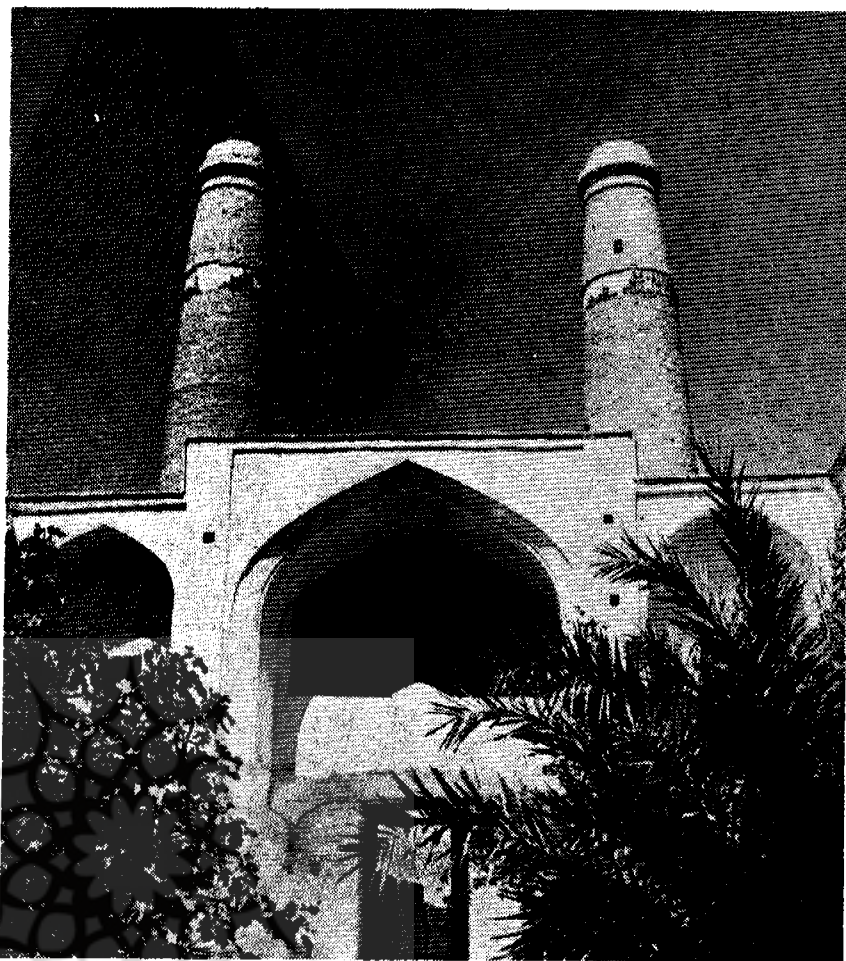
طبس، از شهرهاییست که شاید بجزرات بتوان گفت که بافت قدیمی آن همچنان بدون دخل و تصرف باقی مانده، و بخصوص بناهای دوران قاجار آن با زیبایی آنچنانی

و همچنین آثاری در دره «قریه آتشانون» را یاد نمود خوشبختانه بعثت وجود اسناد ومدارك كافی وجامع وبخصوص وجود سفرنامه‌های سیاحان ونوشته‌های محققین و کتب جغرافیا، که در دوران اسلامی در دست است، اطلاعات ارزشمند وذیقیمتی را در مورد طبس در اختیار میگذارد که از آنجمله میتوان :

الف : کتاب نزهةالقلوب تألیف حمدالله مستوفی بسال ۷۴۰ هجری قمری را که مربوط به جغرافیا است نام برد که از طبس مسینان (مسینا) و طبس گیلکی چنین یاد میکند :

طبس مسینان از اقلیم سیم است، شهری کوچکست وگرمسیر و درونخلیات فراوان بود وآبش از کاریز، غلات این قصبه هر هفتاد روز آب خورد و غلات مواضع که در حوالی آنست، هر هفت روز آب خورد. و در آن ولایت چاهی بود که خاک آن مقدار دانه جاورس، هر که بخوردی در حال برمدی، اما در این نزدیکی آن چاه را انباشته‌اند وهم در آن ولایت چاهی است که در زمستان آب بسیار در آن چاه میرود و در تابستان بیرون می‌آید وبدان زراعت میکنند و چاهی دیگر هست که هر وقت در آن چاه نگاه میکنند شکل ماهی مینماید.

طبس گیلکی - شهری است کوچک
 واز اقلیم سیم است، در هفت روزه راه یزدست و هوایش بغایت گرم و خرما و ترنج بسیار باشد و در خراسان غیر از آن جایی دیگر نیست وآبش از چشمه‌ایست که مقدار دو آسیاگردان آب آن باشد، حصاری محکم دارد و در جوار آن علف نیست و چندپاره دیه از توابع آنست. و در جای دیگر آمده است: طبس



چپ : نمائی از مدرسه دومنار یکی از قدیمیترین مدارس - مربوط به قرن ۵ راست : مقرنس کاری و رسمی کاری زیبا و پربارزش منزل آقای نجد شبیانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
 رتال جامع علوم انسانی

طبس قرار دارند میباشد، که گویا در نزدیکی آتشانگهائی قرار داشته است و نام قریه «آتشانون» از این آثار استنباط میشود.

از آثار مسکونی قبل از اسلام میتوان منطقه کوهستانی شرقی طبس در دگره «سردر» که دارای درختان جنگلی میباشد

وجود مدارك واسنادكافی ومعتبروقطعی، اطلاعات زیادی مربوط به قبل از اسلام آن وجود ندارد.

در کتاب البلدان آمده است که در دوران ساسانی دودیه در اطراف طبس وجود داشته است که احتمالاً دودیه خسرو آباد و «دیهشک» که در ۷ تا ۱۰ کیلومتری

باشد و سوی مشرق کوهی محکم است، و در آن وقت امیر آن شهر گیلکی بن محمد بود و به شمشیر گرفته بود و عظیم ایمن و آسوده بودند مردم آنجا، چنانکه به شب در سراپها بستندی و ستور در کویها باشد با آنکه شهر دیوار نباشد، و هیچ زن رازهره نباشد که با مرد بیگانه سخن گوید، و اگر گفتمی هر دو را بکشند، همچنین دزد و خونی نبود از پاس و عدل او.

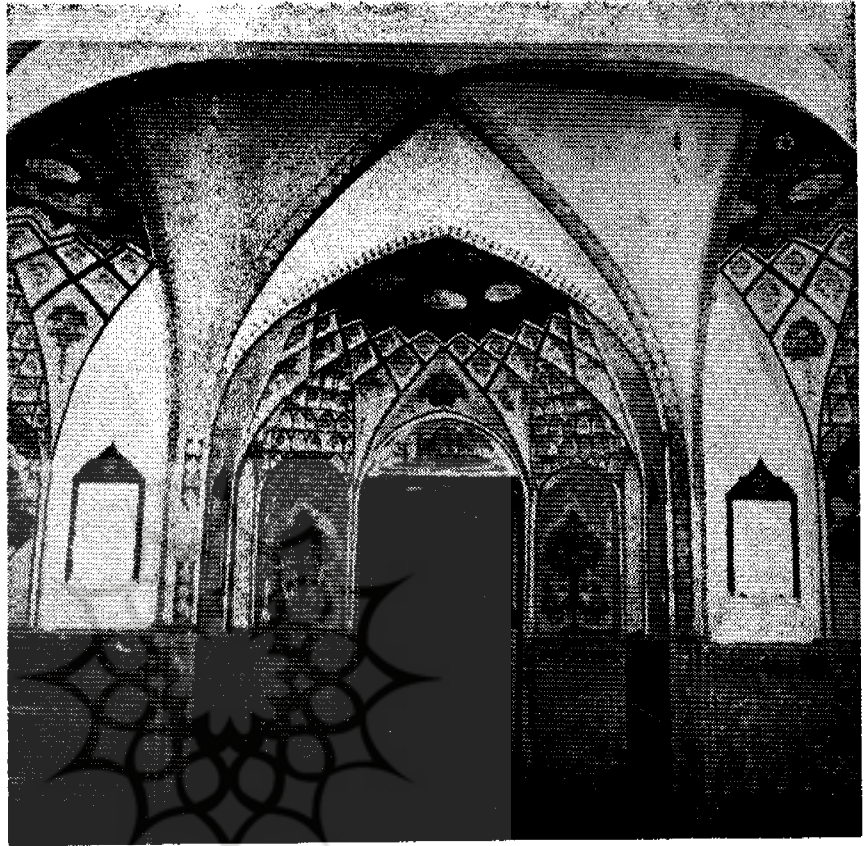
واز آنچه من در عرب و عجم دیدم از عدل و امن به چهار موضع دیدم :

یکی به ناحیت دشت در ایام لشکر خان دوم به دیلمستان در زمان امیر امیران جستان بن ابراهیم، سیوم المستنصر بالله امیر المومنین (به مصر)، چهارم به طیس در ایام امیر ابوالحسن بن محمد و چندانکه بگشتم به ایمنی این چهار موضع ندیدم و نشنیدم .

استخری گوید : شهر پست که در آن نخلستانهای زیاد دارد و دور آن حصار میباشد، اعراب آن را باب خراسان نامند، در زمان خلافت عثمان بن عفان، اول فتحی که در خراسان کردند طیس بود و فاتح طیس عبدالله بن بدیل بن ورقاع در سال ۲۹ قمری میباشد.

در معجم البلدان آمده است که طیس بفتح اول و دوم و سکون سین بلده ایست دلشین از مضافات خراسان از اقلیم سوم، هوایش گرم و آبش از کاریز و چند بلوک معموره از مضافات او و مردمش همگی شیعه مذهب حکامش طایفه عرب و در عدل و داد درجه عالی دارند و از فسق و فجور و ظلم و جور احتراز لازم نمایند.

در مورد طیس تا اوایل اسلام همانطور که گفته شد اطلاعات چندانی در دست نیست ولی آنچه روشن است، از



با طیسان بفتح اول و ثانی ناحیه بین نیشابور و اصفهان است - طیسان مشتمل بر دو ناحیه یکی «طیس العناب» و دیگری «طیس التمر» که طیس گیلک باشد.

ب : ناصر خسرو قبادیانی مروزی که در سال ۴۴۴ هجری قمری از طیس عبور کرده و ۱۷ روز را در طیس بسر برده است، در سفرنامه خود از طیس چنین میگوید :

طیس شهری انبوه است اگر چه به روستا نماید، و آب اندک باشد و زراعت کمتر کنند خرماستانها باشد و بساتین و چون از آنجا سوی شمال روند، نیشابور به چهل فرسنگ باشد و چون سوی جنوب به خبیص روند، به راه بیابان چهل فرسنگ

قسمتی از تزئینات داخلی یکی از منازل طیس با مقرنس و رسمی کاری های زیبا و قابل توجه



تزئینات داخلی حوضخانه منزل آقای شیبانی
با نورگیرها، گنج بریها، نقاشیها و آینه کاریهای
زیبا

بوده است، منجمین معتقد بودند که «محمد خانی» بسلطنت خواهد رسید از این رو «میرمحمدخان» ادعای سلطنت کرد و در جنگی که با محمدجعفرخان زند نمود شکست میخورد و از اسب افتاده و میمیرد. بعد از او برادرش میر حسنخان حکومت طیس را دارد و بسیاری از آثار و منازل قدیمی که در طیس بجای مانده و یا تعمیر شده است در زمان میرحسنخان صورت پذیرفته است.

در کتاب گنج دانش تألیف محمدتقی متخلص به حکیم صفحه ۳۹۷ چنین آمده است.

طیس در جنوب خراسان واقعست
و از هر طرف آن دشتهای بی آب و علف و
بیابانهای بایر است، بنوعیکه غالباً رسیدن

زمان آل سیمجور که بازماندگان سامانیان
میباشند، و سپس آل بویه، غزنویان،
سلجوقیان مغول، تیموری و صفوی و از بکها
این محل مورد تاخت و تاز و هجوم اقوام
مختلف و طوایف گوناگون قرار گرفته
است.

در کتاب راحة الصدور، نوشته محمد
بن سلیمان راوندی و همچنین در کتاب
تاریخ گزیده تألیف حمدالله مستوفی راجع
به محاصره طیس و ستن منجیق و تسلیم
شدن مردم طیس ذکر آمده است.

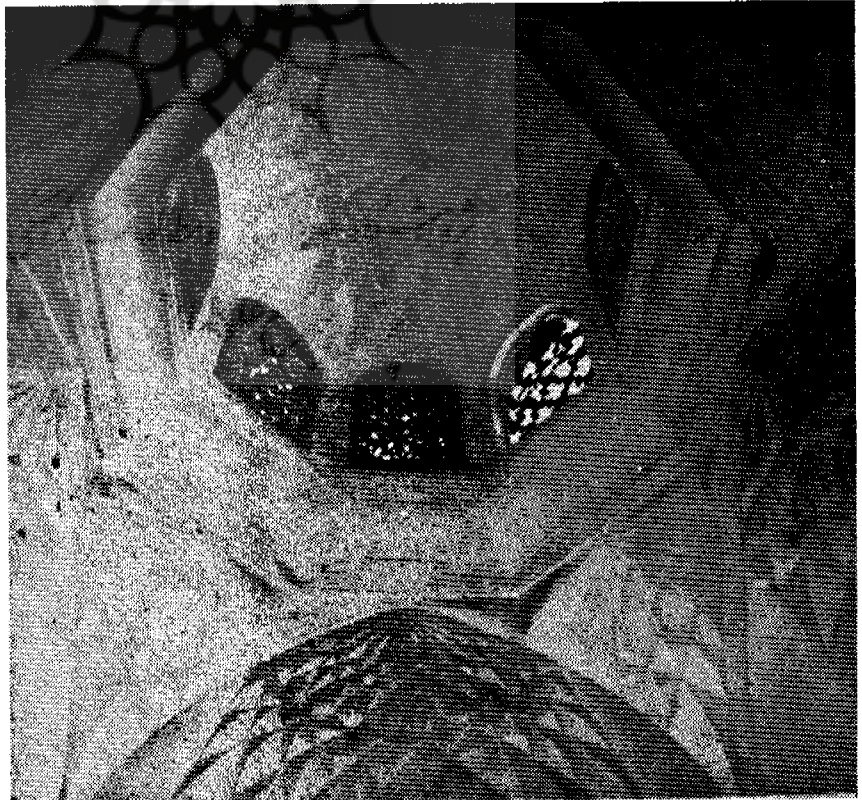
از قرن دوازدهم و اواخر دوران
صفوی در زمان حکومت نادرشاه افشار
حکومت طیس به طایفه شیبانی (طایفه
عرب رنگوثی بنی شیبان) داده شده که در
عرب آباد دیهوک سکنا داشتند و شغشان
دامپروری بوده است، زمانیکه نادرشاه
بعد از فتح هندوستان از طریق کرمان راهی
خراسان بوده است، در کویر گمشده و
سوارانش دچار بی آبی شدید میشوند،
نادرشاه به عده ای دستور میدهد که برای
یافتن آب به اطراف بروند آن عده به محلی
بنام عرب آباد میرسند که رئیس طایفه آن
«میرافتخار» نامی بوده که جسد شیبانیها
است و پسری داشته بنام علیمردان خان،
سواران نادر از او کمک میخواهند علیمردان
خان مواد غذایی و آب باردوی نادر
میفرستد و علاوه بر آن کانالی از قریه ای
بنام «مرغوب» که دارای آب بوده تا
نزدیکی اردوگاه نادر میکشد. و این مسئله
باعث میشود که نادر حکومت طیس را به
علیمردان بدهد و شیبانیها از این زمان
قدرتمند شدند. علیمردان دو پسر داشته
۱- میرمحمدخان ۲- میرحسنخان.

میرمحمدخان مردشجاعی بوده است،
و آن زمان که کشور بصورت ملوک الطوایفی

لشگری گران بحدود آن متعذر است ، میر حسنخان امیر اعراب بنی شیبان بود و این طایفه در زمانی که ایران در تصرف خلفای بنی عباس بود در بلادری سکنا داشتند یکی از سلاطین صفویه آن گروه را باین صفحات کوچانیده وضع ملک و جلادت و اتفاق جمله و بی ثباتی سلطنت دست بهم داده سبب شده که امرای این قبیله هم از قرنهای عدیده در امارت و حکومت خود استوار ماندند و درازمنه مختلفه در بعضی از سایر بلاد خراسان نیز دست یافتند غالباً بسلاطین اظهار اطاعت و انقیاد میکردند و هر وقت که مملکت را آرام و پادشاهی را قوامی بود خراجگذار بوده اند و اگر ضرورتی اقتضا کرده بشکر نیز مدد کرده اند، مقتدرترین سلاطین ایران نیز

بهمین اظهار مطاوعت راضی شده بتسخیر این طایفه خود را در معرض مخاطره نیاورده اند، پدران میر حسنخان بشجاعت و شهامت اشتهار داشتند من جمله علیمراد خان پدر میر حسن خان است که چون احمد شاه لشگری گران بتسخیر طبس فرستاد بدون تأمل با شش هفت هزار مرد به «کشاه آباد» که سرحد اراضی طبس است تاخته و به افغانه که قریب بیست و پنج هزار لشگر بود مصاف داده، شکست فاحشی به آنها داده چون احمدشاه لشگری دید بیشتر از پیش قریب چهار هزار نفر بدفع ایشان فرستاد باز کافی السابق با همان مشت دلیران لشکر گران را هزیمت داد ولی در مرتبه ثانی چون شکست بر لشکر افغانه داد علیمرادن خان بدون رعایت

احتیاط هزیمتیان را تعاقب نمود ناگاه جمعی از کمینگاه که شکست و هزیمت لشکر ایشان را سفارش داده بودند بدر آمده بودند عرضه هلاک شدند لیکن چون افغانان نمیدانستند که علیمرادن خان کشته شده بتاراج اسباب مقتولین پرداختند یکی از سپاهیان که هنوز رمقی داشت چون خواستند سلاح وی را بگیرند گفت چرا وقت بیهوده بر سر من ضایع میکنید بروید بر سر علیمرادن خان که کشته و در پای آن دیوار افتاده این خبر که بسمع افغانه رسید فراریان را فراهم آورده و روی بگریز نهادند، میر محمدخان پسر بزرگ علیمرادن خان جای پدر گرفت و چون احمدشاه از خراسان بیرون رفت عزم تسخیر خراسان بلکه تادیب افغانه سر از نهادش بر زد و مشهد و بسیاری از شهرهای دیگر خراسان را مسخر نمود در این اثنا مناقشه در خانواده وی نمود او را از انجام مقاصد مانع آمد بعد از تنظیم امور خانگی با «علی بارخان سبزواری» مصاف داده روزش بآخر رسید تبیین مقال اینکه لشکر غنیم را هزیمت نموده در تعاقب دشمن بود که



پوشش داخلی یکی از منازل طبس با شبکه‌های زیبای گچی همراه با رسمی‌بندیهای کم نظیر

اسبش پسر درآمده هنوز برنخواستہ بود که سرش را بخاک درآوردند برادرش میر حسنخان بعد از وی امیر قبیلہ وزعیم قوم گشت، وی بحسن سلوک و میانه روی انتصاف داشت و فقط بصیانت اراضی خویش راضی بود و خیال تطاول برملک دیگران ننمود و لشکرش دوهزار سوار بود، شش هزار پیاده ولی در بهادری و هواداری امیر خودکسی را بر ایشان سبقت نبود و رعیتش صاحب مکنت و ثروت و صاحب چیز بود و مدت دو بیست سال بود که اعراب بنی شیبان در تحت حکومت این خانواده سکونت داشته کسی دیگر ایشان را بیرون نکرده و چنین خیالی را هم ندارند.

بناهای تاریخی طبس :

۱- حسینیه خان - از بناهای امیر علینقی خان وکیل الدوله (پسر میرحسن خان) و پسرش محمد باقرخان (عمان الملک بزرگ) بانی حسینیه خان و باغ خان بوده است.

۲- باغ گلشن و خیابان گلشن - باغ گلشن یکی از زیباترین باغهای خراسان است که بدستور میرحسنخان ساخته شده و بنای کنونی باغ که محل شهرداری شهر طبس است، نیز در زمان میر حسنخان

صورت اتمام پذیرفته ولی خیابان گلشن که از جلوی باغ گلشن شروع میشود بدستور میر حسنخان و کمک لطفعلیخان زندکشیده شده است .

۳- گنبد جوخواه - قبرسپهسالار مالک معروف است، «مالک بن ذئب» و «مالک بن عمرو» هر دو از سرداران احنف بن قیس هستند، در تعقیب یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی در صحرای شتران که مابین یزد و طبس است راه را گم کرده و عده زیادی از سوارانشان تلف میشود این دو سردار به جوخواه میرسند و در آنجا از بین میروند و همانجا دفن و بعدها این بنا را بر روی مقبره آنها بنا نمودند.

ارگ طبس - ارگ طبس از زمان های بسیار دور بوده است و تاریخ ساختمان آن مشخص نیست ولی بوسیله میر حسنخان بسال ۱۲۱۶ قمری توسعه داده شده و دارای ۶ برج بوده که یکی معروف به برج نادر میرزاست، وجه تسمیه این برج بخاطر زندانی شدن نادر میرزا در آن بامر میرحسن خان بوده است .

طبس سه قلعه داشته است الف - ارگ ب - حصار شهر ج - قلعه ای بنام قلعه باغ که از بین رفته است .
ارگ طبس دارای سنگ لوحی است، متن سنگ چنین است.
لی خمسه الفی بهم حرالوبالمحاطمه المصطفی والمرتضی و ابناهما والفاطمه



نمایی از ارگ باستانی طبس و برج معروف به نادر میرزا

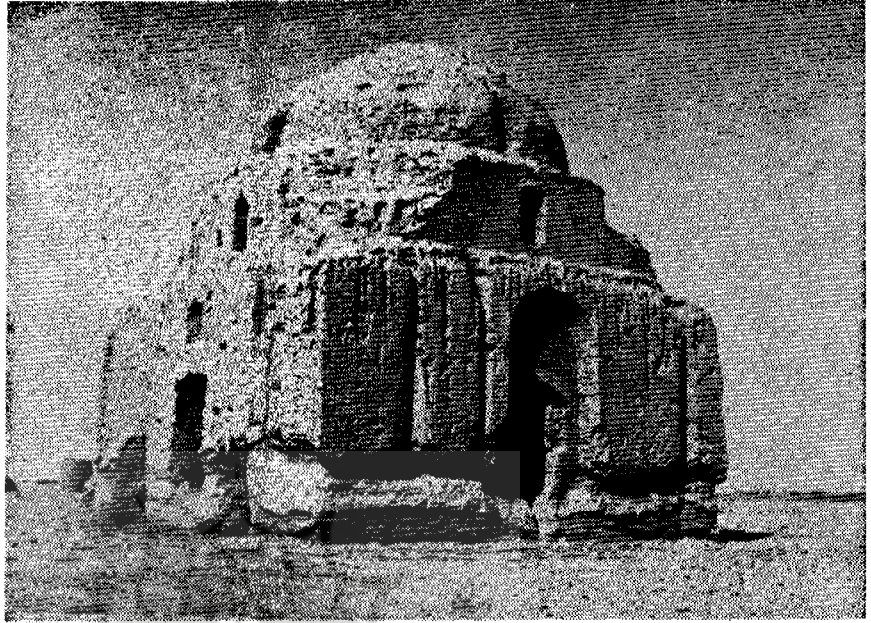
داخل گنبد ذکر شده است. در داخل گنبد خانه کتیبه‌ای دور تا دور دیده میشود که متن آن چنین است :

يفتح لها باباً من الخاب بسم الله الرحمن الرحيم المتصدى لاشاره هذه البناء العالى الذى تضمن اعظم اوليا الله تعالى واصفيائه سلالة عتره الاثمه الطاهره خلاصه السادات الزكية البرره الرضى الزكى عليه سلام الله تعالى وعلى صلوة منه وسبحانه وتعالى وراجيا عنايت الله ورعايته الذى تقرب الزكى وشكر على نعمه واعلى هذه قباب والروضه والعتاب وتول بتاكيد . . . وتأسيس اركانها زين . . . والدولة والدين شيخ على وقفه الله . . . على اعانة الانامل و حشره مع جميع الانبيا و الرسل والاصدقا الاوصيا والشهدا والصالحين وحسن اولئك

لنهتدى لولا ان هدا نا الله فى جمادى الثانى رفيقا الحمد لله الذى هدا نا لهذا وما كنا لنهتدى لولا ان هدا الله فى جمادى الثانى عام اربع وتسعين واربع مائه . . . النبوى هكذا وجدت و قرأت و كنيته الراجى الى التوفيق شىئى عزيز لا يعطى العبد عزيز الثانى فمن ابدأ . . . اين بقعه در زمان مير حسن خان شيبانى تعمير شده و کتیبه‌ای باین مضمون در داخل بنا دیده میشود :

وستسعد بتعمير هذه البقعه شريفه الروضه المنيفعه الامير الاعظم ومولانا فخر تاج الخوانين العظام افتخار الاعراب و الاعجام امير محمد حسن خان ابى الشهيد سعيد امير على مردان خان و فقه الله تعالى فى شهر ربيع الثانى سنه ١٢٠٥ قمرى. اما مزاده حسين داراي دو در چوبى است كه حكاكى و منبت كارى شده است و بسيار زيبا و ارزشمند ميباشند. نام هنرمندان آن در روى بدنه آنها نوشته شده است :

عمل كربلايى محمد على نجار طبسى
عمل كربلايى محمد حسين نجار طبسى



گنبد جوخواه - مقبره مالك ذنبه و مالك بن عمرو

درايام خان جلالت مآب
امير عرب داور كامياب
بلندى ده كاخ انصاف و داد
محمد حسن خان و الانژاد
بشهر طبس بود ارگ كههن
به حليتش جست وجه حسن
بفتواى حكام شرع مطاع
به زر كرد اين قلعه را ابتياع
به ملكيتش چون درآمد درست
پس آنكه بتعبير پرداخت جست
بناها در آن يافت قتر و شكوه
كز آن گشت اين قلعه محكم چون كوه
پى سال تاريخ حصن منيع
دو مصراع بر آورد كلك رفيع
بود تا حصار جهان را مدار
بود نام نيكش به دهر آشكار
فى سنه ١٢١٦ قمرى

۵- بقعه امامزاده حسين بن موسى الكاظم - اين بقعه مربوط به قرن ۵ هجرى قمرى ميباشد و تاريخ بناى آن در



باغ گلشن - بنای کنونی شهرداری طیس - که در زمان میرحسن خان شیبانی بنا شده است

- ۱۵- تیمچه
- ۱۶- کاروانسرای عمادالملکی
- ۱۷- بازار قدیم طیس
- ۱۸- حسینیه میرزاهای
- ۱۹- ساختمان محل شهربانی
- ۲۰- منزل آقای نجد شیبانی
- ۲۱- مسجد میدان
- ۲۲- کاروانسرای جوخواه
- ۲۴- منزل آقای فرهنگی
- ۲۵- رباط گور
- ۲۶- کاروانسرای شیرگشت
- ۲۷- کاروانسرای ده محمد
- ۲۸- کاروانسرای دره بید
- ۲۹- مسجد کریت
- ۳۰- مسجد فهالنج
- ۳۱- قلعه دختر خوران
- ۳۲- آب انبار کریت
- ۳۳- مزار خسروآباد
- ۳۴- مزار محمدبن جعفر طیار
- ۳۵- مزار پیر حاجات

عمل قاسم شاه طوسی ۱۲۷۹
 نقاشی داخل گنبد نیز توسط آقا بابا
 اصفهانی صورت اتمام پذیرفته است.
 ۶- مدرسه دومنار - از بناهای قرن
 پنجم بشمار میآید و یکی از نادرترین
 بناهای دوران سلجوقی است، که دارای
 دو منار میباشد، طول این مناره‌ها از
 سطح زمین حدود ۱۸ متر میباشد و کاملاً
 جنبان هستند، دو طبقه و دارای عرفانی
 است هر دو مناره دارای کتیبه میباشد که
 متأسفانه بعضی قسمتهای آنها ریخته شده
 و تاریخ بنا مشخص نیست، متن کتیبه‌ها
 چنین است :
 مولانا امیرمفخم السلطان الامرا . . .
 بهی الحق والدين ابوالمفاخر محمد
 بن فضل دامت ملكه . . .

- ۷- مسجد جامع طیس و مناره آن
 این بنا نیز از مساجد دوران میرحسنخان
 شیبانی میباشد که در جنب مناره‌ای که
 گفته میشود مربوط بدوران صفاریان بوده
 ساخته شده است، این مناره حدود ۴۰ متر
 ارتفاع داشته و در سال ۱۳۲۵ و از گون
 شده است، عکس این منار را یک سیاح
 سوئدی در ۷۰ سال قبل گرفته است .
 ۸- یخچال طیس - یخچال طیس،
 بدستور میر حسنخان شیبانی ساخته شده
 و احیاءکننده طیس بوده است .
 از بناهای دیگر طیس که قابل توجه
 و اهمیت میباشد و فقط نامی از آنها برده
 میشود و عبارتست از :
 ۹- باغ امیر با ساختمانهای مربوطه
 ۱۰- باغ خان با ساختمانهای مربوطه
 ۱۱- حوضخانه محمدحسینخان
 شیبانی
 ۱۲- اطاق آینه میرزا احمد خان
 سرچشمه
 ۱۳- حسینیه و کیلی بازار
 ۱۴- حمام گلشن



یخچال طبس که به امر میرحسن خان ساخته شده
و احیاکننده شهر طبس بوده است .

۳۶- مزار فشاء

۳۷- مزار زرگ

برادر مکرم بود، نهایت خوشوقتی و مسرت
بحصول پیوسته کمال ابتهاج رخنمود ،
عریضه که بخاک پای فلک فرسای اعلیحضرت
قدر قدرت اقدس همایون شهریاری روحنا
و روح العالمین فدا عرض کرده و مبلغ
دویست تومان هم برسم پیشکش نوروزی
انفاذ داشته بودید عریضه و وجه پیشکش
هر دو موقع خاص از نظر مرحمت اختصاص
ملوکانه گذشت و زایدالوصف در پیشگاه
حضور مبارک سرکار اقدس شاهنشاه به
روحنا فدا مطبوع و مستحسن گشت از راه
وفور مرحمت و ظهور عنایتی که در حق
شما داشته دارند. ملفوفه فرمان قضا
جزایان مبنی بر کمال التفات خدیوانه در

در انتها متن نامه‌ای را که از دربار
فتحعلیشاه به حاکم طبس نوشته شده و اصل
آن در اختیار آقای علی اکبر امینیان مدرس
است، جهت اطلاع علاقمندان عیناً مرقوم
میدارد :

مقرب الخاقان برادر مکرم مهربان
کاغذی که چندی قبل در این مصحوب
عالیجاه امیر عمد ولی بیک آدم خود
قلمی و ارسال داشته بودید واصل شد و
از مضامین و مسطورات آن من البدایه الی
النهایه استحضار و آگاهی حاصل آمد.
چون مبنی و مدلول بر سلامت احوال آن

از اینجا روانه خراسان گردیده خدمت نواب مستطاب حسام السلطنه بیایند نواب معزالیه بحقیقت امر رسیدگی بفرمایند، هرگاه مال را در خاک کرمان . . . که هیچ ابداً بشما دخلی و ربطی ندارد و اگر خدای نخواستہ معلوم شود که در خاک طبس این اتفاق افتاده باشد غرامت آن را از شما گرفته رد نمایند، عجاله بر حسب حکم . . . تحصیلی خواهد کرد تا همه صاحبان اموال . . . (بقیه از بین رفته است).

یکی از بادگیرهای زیبا که در بسیاری از منازل شهر طبس دیده می‌شود.



کاغذ خود را به نظر انور همایونی . . . مراتب را عرض و حالی کردم و ملفوفه فرمان مبارک صادر نموده ارسال داشتم که محصل نشود و چیزی از آن برادر مطالبه نکنند اما چون مقرب الخاقان و کیل الملک وزیر کرمان باز مجدداً در این باب تفصیلی نوشته و کاغذ عالیجاه غلامحسین خان مأمور سیستان فرستاده بود که مال مزبور را در خاک طبس زده اند و برده اند لهذا حسب الامر قرار بر این شد که حسب الامر یکی دو نفر از صاحبان مال بدار الخلافه بیایند و

جواب عریضه آن برادر مهربان شرف صدور یافته، درینوقت که مشارالیه مرخص و روانه میشد ارسال گردید، بعد از آنکه زیارت گردید از مراتب الطاف و مراحم خاطر خطیر پادشاهی کمال مفاخرت و سرافرازی حاصل خواهید کرد و زیاده از حد مستظهر و امیدوار خواهید شد اینکه ضمناً شرحی از نظم امور سرحد ولایت ورفاهیت و آسایش رعیت و مواظبت دائمی خودتان در انجام خدمت دیوان عرض کردم اشعار نموده بودید، این معنی موجب مزید وثوق و اعتماد خاطر آفتاب مظاهر اقدس همایونی شاهنشاهی روحنا فدا بخش کفایت و کار آگاهی شما گردید، یقین است که بعد از این هم انشاءالله تعالی منتهای مراقبت و اهتمام در انتظام مهام آن سرحد بعمل آورده آئی و دقیقه‌ای غفلت نخواهید کرد و خودداری نخواهید نمود و روز بروز از محاسن درستکاری و مواظبت خود بر مراتب التفات و رضای خاطر مبارک خواهید افزود و در باب مطالب و مهمات سرحدیه که چند . . . با نظورها اظهار نموده بودید در ایام توقف نواب مستطاب اشرف والی حسام السلطنه العلیه والی مملکت خراسان دام اقباله در دربار گیتی مدار همایون بعد از عرض حضور مبارک چیزی که مقدور و ممکن الحصول بود صورت انجام یافت و آنچه پیشرفت آن باقتضای وقت خالی از اشکال نبود موقوف بوقت دیگر شد و این اوقات بتعویق افتاد البته پس از تشریف فرمائی نواب مستطاب معزالیه بصفحه خراسان از تفصیل اوضاع و دستور العمل دیوانی کماهو حتمه اطلاع حاصل خواهید نمود. - کرمان هم که بین راه بغارت و سرقت برده اند و محصل دیوان آمده غرامت آن را از . . . نوشته و عریضه‌ای و خاک‌پای همایون عرض کرده بودید همان عریضه و